

## گزارش وینار «راه رفته جامعه بشری در قبال افراد دارای معلولیت و افق های پیش رو»

موسسه اجتماعی سارا، در ایام سالروز تولد شادروان دکتر سارا مصفا، با همکاری کمیسیون حقوق بشر اسلامی، ویناری را با عنوان «راه رفته جامعه بشری در قبال افراد دارای معلولیت و افق های پیش رو» برگزار کرد.

در این وینار دکتر نسرین مصفا، استاد دانشگاه تهران، شرحی از اقدامات جامعه بین المللی در ارتباط با حمایت از افراد دارای معلولیت را بیان کرد. همچنین به آثار آنها بر زندگی و توانمندی این افراد با عنایت به حضور و توفیقات شان در رویدادهای جهانی مانند پارالمپیک اشاره نمود.

در این جلسه خانم هاشمیه متقیان از قهرمانان پارالمپیک سال ۲۰۲۰ توکیو و دارنده مدال طلای پرتاپ نیزه ایران نیز شرکت داشتند که از تجارب خویش در زندگی، غلبه بر مشکلات و طی راه موفقیت آمیز در جامعه و عرصه جهانی صحبت کرد.

گزارش این جلسه به شرح زیر است.

با نام و یاد خدا. سلام و عرض و ادب احترام. خدمت همه بزرگواران به خصوص جامعه افراد دارای معلولیت خیرمقدم عرض می کنم، شکر گذار هستیم که بار دیگر با پشت سر گذاشتن روزهای سخت، در این عصر دل انگیز پاییزی با امید به آینده اگر چه در فضای مجازی، اما به طور حقیقی در خدمت شما عزیزان هستیم.

من محیا فیروزی راد، دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین الملل و فعال مدنی دارای معلولیت مفتخر هستم که در این وینار به عنوان دبیر اجرایی در خدمت شما عزیزان باشم.

وینار حاضر با عنوان «راه رفته جامعه بشری در قبال افراد دارای معلولیت و افق های پیش رو» در چارچوب همکاری موسسه اجتماعی سارا و کمیسیون حقوق بشر اسلامی به تاریخ سه شنبه ۲۰ مهرماه ۱۴۰۰ برگزار می شود.

در این نشست در خدمت دکتر نسرین مصفا، استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، و همچنین چهار تن از قهرمانان ملی ایران و پارالمپیک توکیو از جمله خانم زهرا نعمتی، آقای مهدی اولاد، خانم هاشمیه متقیان و آقای روح اله رستمی خواهیم بود.

قبل از هرچیز لازم می دانم که خدمت شما عزیزان عرض کنم که در انتهای این جلسه بخش پرسش و پاسخ نیز خواهیم داشت و دوستان می توانند سوالات خود را در قسمت پیام رسان وارد نمایند.

دکتر نسرین مصفا:

به نام آنکه جان بخشید مارا      تن و توش و توان بخشید مارا

عرض سلام و ادب احترام دارم خدمت شرکت کنندگان محترم و بینار حاضر و از کمیسیون حقوق بشر اسلامی و دبیر ارجمند آن جناب آقای دکتر حسن ضیائی فر برای همکاری با موسسه اجتماعی سارا جهت برگزاری این و بینار سپاسگزاری می نمایم. در طول سال های گذشته همواره موسسه مشمول این عنایت بوده است. بلاشک نقش کمیسیون حقوق بشر اسلامی در توجه و انجام فعالیت های علمی در زمینه حقوق بشر در جامعه ما بسیار تاثیرگذار بوده و می باشد. همت و زحمات ارزشمند دبیر بزرگوار آن مثال زدنی است.

همچنین از همکاری صمیمانه خانم فیروزی راد، مجری عزیز، آقای حامد صدیقی گرامی برای مساعدت فراوان برای انجام ترتیبات برگزاری جلسه و همکار محترم پشتیبانی فنی جلسه سپاسگزارم.

مقدمتا عرض نمایم که، برای عدم ادای شایسته مطلب در این ایام به یاد "سارا" پوزش می خواهم زیرا :

مرغ پریشکسته را پرواز نیست

سینه مجروح را آواز نیست

چند جمله ای را در ارتباط با موسسه اجتماعی سارا خدمتتان عرض می کنم.

این موسسه به یاد دکتر سارا مصفا، پزشکی مردمی، رهرو راستین وجدان پزشکی، پژوهشگری توانمند، که در اوج جوانی و بالندگی، در سی سالگی، در سال ۱۳۹۲ روی در نقاب خاک کشید، تاسیس شد.

با غمی فراموش ناشدنی که غبار آن در خانواده جاودان است، موسسه با هدف انجام امور علمی آغاز به کارکرد. این نهاد خیریه ای علمی است که هدف اصلی آن کمک، حمایت و ارتقای علمی مخاطبان با انجام فعالیت های آموزشی و پژوهشی است. تاکنون برنامه هایی را در قالب برگزاری جلسات و نشست های تخصصی در موضوعات اجتماعی در کنار خدمات دیگر حمایتی انجام داده است. برنامه ها معمولا در ایام تولد، ۲۷ شهریورماه یا فوت ایشان ۶ دی ماه برگزار می گردد. بازماندگان، برای گرامیداشت یاد درگذشتگان عزیز خود، معمولا به امکانات و توان عملی موجود و علایق در گذشته عزیز تاسی می کنند، از آنجایی که

جوان از دست رفته ما پژوهشگر و علاقمند به خدمات علمی و مردمی بود، ما هم تصمیم گرفتیم، از طریق تاسیس این موسسه راه او را ادامه و نعمت خدمت به جامعه را داشته باشیم.

نامش بخیر و یادش گرامی و مانا باد.

حال مطالب خود را ارائه می دهم.

برای کسانی که دل در گرو ترویج و حمایت از حقوق بشر از طریق فعالیت های علمی و یا اجرایی دارند، همواره یک سوال اساسی نه تنها از طرف جامعه، بلکه برای خود آنان نیز مطرح است: مجموعه فعالیت هایی که در زمینه حقوق بشر انجام می شود، تا چه حد به تحقق واقعی، برای حمایت از انسانها و ارتقا جایگاه آنان در جامعه موثر بوده است؟

زیرا آنچه که از طریق رسانه ها به صورت اخبار و رویدادها ارائه می شود، بیشتر نشان از نقض حقوق بشر دارد. روایت ها در سطح بین المللی حاکی از صدمه به هزاران نفر به اشکال مختلف حتی مرگ آنان به ویژه در اثر مخاصمات مسلحانه است. زمینه های نقض حقوق بشر بسیار گسترده است، نقض کرامت انسانی، نقض حق حیات، نقض حق بهداشت و غیره. بنابراین شواهد و روایت در این باره کثیر است. ولیکن برای کسانی که در این حوزه کار می کنند، تامل عمیق تری نیز وجود دارد. بنظر می رسد که فعالیت ها در زمینه حقوق بشر علیرغم همه کاستی ها و انتقاداتی که به جنبش بین المللی حقوق بشر می شود، دستاوردهایی هم داشته است.

انگیزه اصلی من برای پیشنهاد این موضوع به کمیسیون محترم برای برگزاری نشست امروز، در حقیقت شور و شوقی بود که در اثر دیدن تصاویر و فیلم های موفقیت قهرمانان ملی ما در پارالمپیک سال جاری در توکیو برای حقیر به وجود آمد. همچنین رویت سایر افراد دارای معلولیت از سایر کشورهای جهان که در این رویداد شرکت داشتند. رژه روز افتتاحیه در استادیوم توکیو که توسط آنان انجام شد، زیبایی و شکوه خاص خود را داشت و به نظرم هر بیننده ای را به تفکر وا می داشت. با خودپ نداشته ام که این رژه و مشارکت وسیع افراد دارای معلولیت در آن، حاصل راه طولانی، نتیجه تلاش ها و کوشش هایی همه جانبه از سراسر جهان برای تحقق آن می باشد. جنبش حمایت از افراد دارای معلولیت، در کنار دست آوردها و پیشرفت های پزشکی، فناوری، در این طی طریق شریک است. باور داریم که از معدوم کردن،

پنهان نمودن، بیمار انگاشتن تا توانمندی، قهرمانی و الهام بخشی در عرصه بین المللی افراد دارای معلولیت راه درازی را پیموده ایم.

رجاء واثق داریم که هدف غایی ترویج و حمایت از حقوق بشر آن است که تفاوتی مطلوب را در زندگی فردی و جمعی آحاد انسان ها به وجود آورد، بنظر می رسد تدوین و تصویب مجموعه ای از اسناد حقوق بشری، فعالیت نهادهای حقوق بشری در عرصه بین المللی، برگزاری جلسات کنفرانس های بین المللی، باید نتایج ملموسی به خصوص برای گروه های آسیب پذیر داشته باشند. به نظر من علیرغم مشکلات فراوانی که با آن آشنا هستیم و هنوز تا آنچه که باید عملی برای رفع آنها گردد، شکاف قابل تاملی وجود دارد، ولیکن نتایجی را برای این اقدامات و پیشرفت ها شاهد هستیم. اکنون تعریف جدیدی از معلولیت را در عرصه بین المللی داریم که نگاهی انسانی برای حمایت مبتنی بر کرامت آنان را به همراه دارد. دیگر معلولیت نقص نیست، بلکه به شرایط و امکانات جامعه مرتبط است که به کمک آنها زندگی شان تسهیل گردد. در این زمینه پیشرفت های علمی و فناوری، پزشکی، و توجه به حقوق آنان موجب تحولاتی شده است.

همچنین حمایت از حقوق بشر می باید به تحقق حقوق ذاتی انسان برای ارتقای منزلت، برای کاهش آلام و رنج ها، رفع محرومیت و رعایت کرامت و احترام انسانی بیانجامد. البته تحقق حقوق بشر کاری بس مشکل است و چالش های بسیار دارد. امروزه روز به روز به نظر می آید که بیش از هر زمان دیگری نابرابری های ساختاری که در عرصه بین المللی و در سطح جوامع وجود دارد، خود عامل نقض حقوق بشر است و به طورکل در یک جهان نابرابر تحقق این آرمان مشکل است. اما با توجه به دستاوردها و نکات مثبتی که وجود دارد، می توان شرایط را مطلوب تر از گذشته دید و به آن به ویژه در حمایت از افراد دارای معلولیت خوش بین بود.

مطالعات تاریخی حاکی از آن است که وضعیت افراد دارای معلولیت دوران های تاریکی داشته است. البته می باید هر پدیده ای را در زمان خودش تفسیر کرد. یونان مهد فلسفه غرب در عصر روشنگری است که حقوق بشر امروزی را در بستر آن مورد مطالعه قرار می دهند. در یونان باستان کودکان معلول را در اجتماع راه نمی دادند، در طبقه بندی های جامعه به حساب نمی آوردند، در رودخانه انداخته و معدوم می کردند. دردوران های بعد، از قرون وسطی مکتوباتی وجود دارد که از بدی و سرشت پلید این افراد صحبت به میان

آورده می شود. روایت های متعدد از قرون گذشته حاکی از آن است که افراد دارای معلولیت را در انبارها و پستوهای خانه ها، دور از چشم غریبان نگه می داشته و وجود آنان را ناشی از غضب الهی برمی شمردند. به ویژه دختران و زنان دارای معلولیت که متحمل درد و رنج مضاعف بودند. در طول زمان این شرایط متحول شده است، ولیکن نمی توان نگرش ها، تبعیض ها، جدا سازی و منزوی کردن این افراد را در طول تاریخ نادیده گرفت. درسی آموخته برای حمایت از آنان می باشد.

اگر بخواهیم با توجه به نظر محققان یک طبقه بندی کلی از جایگاه و شرایط افراد دارای معلولیت در جوامع داشته باشیم، پنج دوره را می توان برشمرد:

دوره اول، افراد دارای معلولیت باید از صحنه گیتی حذف و معدوم شوند، یا حداکثر دور از چشم دیگران در پنهان باشند.

دوره دوم، دوره ای است که در آن مکان ها، نوانخانه ها برای نگهداری این افراد، توسط خیرین و یا برخی حکومت ها ایجاد شد، بطوری که در مراکز خاص فقط نگهداری می شوند.

سوم، دوره ای است که شرایط بهتر و پیشرفته تری را در جوامع برای زندگی آنان شاهد هستیم. بطوریکه بعد از جداسازی از جامعه، مراقبت های خاص و پزشکی از این افراد انجام می شوند.

دوره چهارم دوره ای است که این افراد وارد جامعه می شوند، در خانه و خانواده زندگی و مراقبت می شوند. با توجه به شرایط خود و جامعه در بیرون از محیط خود نیز توان حضور دارند.

دوره پنجم که دوره خودشکوفایی، خودگردانی، توانمندسازی آنان است. این افراد می توانند با خلق موقعیت هایی برای خود الهام بخش دیگران و جامعه باشند.

سال ها و بلکه قرن ها از زمانی که این افراد توانستند از نگرش و تفکر اولیه که نهایت بقای آنان را در برداشت تا به برابری فرصت ها و توانمندی دست یابند، سپری شده است.

در این راستا از طرفی جنبش بین المللی حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت و طرف دیگر افرادی که دارای معلولیت بودند، در تحرک و تحول نقش داشته اند. در حال حاضر اساس تفکر بین المللی، کنوانسیون افراد دارای معلولیت، مصوب سال ۲۰۰۶ سازمان ملل متحد است، که فلسفه اصلی آن حمایت از

آنان بر اساس تعریف جدید معلولیت است. بخش عمده ای از دست آوردهای آن حاصل تلاش، کوشش و حضور خود افراد دارای معلولیت برای جلب توجه جهانی و اقدام برای تهیه آن بود، که نگاه مختصری به آن دارم. قبل از آن به تاریخچه بسیار کوتاه از اقدامات بین المللی می پردازم.

اولین سند و اقدام بین المللی در ارتباط با حقوق کودکان دارای معلولیت می باشد. آن هم حاصل برآیندی از توجه یک سازمان غیردولتی فعال در زمینه کودکان و جامعه ملل بود که در سال ۱۹۲۴ تصویب شد. یکی از مواد این قطعنامه کوتاه حمایت از حقوق کودکان دارای معلولیت بود. صدمات جنگ جهانی اول به روی کودکان توجه به آنان را البته در اروپا به خود جلب کرده بودند.

با عنایت به مصائب ناشی از جنگ جهانی دوم جنبش بین المللی حقوق بشر، پس از پایان آن، وارد دوران جدیدی شد و بر مبنای منشور ملل متحد توجه بین المللی برای ترویج و حمایت از آن آغاز شد. در سال ۱۹۴۸، اعلامیه جهانی حقوق بشر به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید. فرصت برای سخن بیشتر درباره آن نیست. ولیکن باید اذعان کرد که غفلت و در واقع همان غفلت و نادیده گرفتنی که قبلا در سطح جوامع برای توجه به افراد دارای معلولیت وجود داشت، در یک سازمان بین المللی و پایه تشکیل آن یعنی منشور ملل متحد نیز خود را نمایان کرد. در واقع در منشور رعایت حقوق بشر و توجه به آزادی های اساسی، بدون تبعیض از منظر رنگ، نژاد، مذهب و جنسیت مطرح شده است، اما از تبعیض ناشی از معلولیت سخنی به میان نیست. در اعلامیه جهانی حقوق بشر فقط در ماده ۲۵ و فقط یکبار از نقص عضو صحبت شده است، آن هم در ارتباط با زندگی مطلوب و حقوق کار می باشد که در حقیقت برای همه افراد مطرح می شود. غفلت در زمینه معلولیت وجود دارد.

در سال های بعد در عرصه بین المللی اسناد بیشتری در زمینه حقوق بشر تدوین می شوند. دو مورد مهم از آنها در سال ۱۹۶۶ تصویب شد؛ میثاق حقوق مدنی سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که در این میثاق ها نیز غفلت ادامه دارد، بعدا تفسیر شماره ۵ کمیته میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی که در حقیقت تکمیل کننده و مفسر مواد اسناد هستند در مورد حقوق افراد دارای معلولیت منتشر شد. در دیگر اسناد مانند کنوانسیون رفع تبعیض نژادی و تبعیض همه جانبه نسبت به زنان، اشاراتی برای افراد دارای معلولیت نمی بینیم. فقط در کنوانسیون حقوق کودک، مصوب ۱۹۸۹ مجمع عمومی ملل متحد است

که به حقوق کودک دارای معلولیت و لزوم حمایت از او طی ماده ۲۳ در چهار بند، تهمیداتی برای حمایت از آنان مطرح می شود.

موارد یاد شده مربوط به کنوانسیون های بین المللی و اسناد لازم الاجرا بود.

حال نگاهی می کنم به دهه هفتاد میلادی و زمانی که مجمع عمومی ملل متحد قطعنامه هایی را در حمایت از افراد دارای معلولیت تصویب کرد. می دانیم قطعنامه های مجمع عمومی، حاصل نظر دولتها در زمینه خاص می باشند، ولیکن فاقد ضمانت اجرایی هستند. البته ارزش خود را دارند. مورد اول قطعنامه سال ۱۹۷۱ مجمع در رابطه با افراد مبتلا به عقب ماندگی ذهنی است، مورد دوم در سال ۱۹۷۵ است که به طور مشخص در آن مطالبه حقوق افراد دارای معلولیت بیان می شود، بدون آنکه سازوکاری برای تحقق آن در نظر گرفته شود. در دیگر زمینه های حقوق بشر نیز این چنین است. از زمان مطالبه تا شناسایی و تحقق آن، شاهد فرایندی زمانبر هستیم که باید طی شود. البته در طول سال ها و روند تصویب اسناد ما این حرکت پیش رونده را می بینیم. در سال ۱۹۸۵ با تصویب مجموعه قواعد استاندارد در دهه حمایت از افراد دارای معلولیت به عنوان یک بستر برای توجه به آنان تصویب می شود. این قواعد برای حمایت از افراد دارای معلولیت روح انسانی دارند، ولی اسناد لازم الاجرا نبودند. البته لازم به تذکر است که جامعه جهانی بطور کلی برای لازم الاجرا کردن اسناد حقوق بشری و صرف آنکه فقط تدوین و تصویب آنها نباشد در همه ابعاد با پویایی حرکت می کرد، اما در مورد اسناد مربوط به افراد دارای معلولیت همانطور که عرض شد این حرکت به کندی صورت می گرفت. سپس و در دهه های بعدی تحرک های ویژه ای صورت می گیرد، از جمله برگزاری کنفرانس ها، تشکیل کمیته ها و تاسیس نهادهای خاص را شاهد هستیم. در نهایت جامعه جهانی در اثر تقاضاها و اقدامات متعدد کم کم خودش را برای داشتن یک سند لازم الاجرا با جامعیت برای حمایت از افراد دارای معلولیت آماده می بیند.

به طور کلی دهه نود میلادی دهه ای پرتحرک در عرصه بین المللی و توجه بیشتر به موضوع حقوق بشر است. پایان جنگ سرد و افزایش همکاری های بین المللی زمینه های بهتری را برای عنایت به علایق مشترک بشری ایجاد کردند. کنفرانس ها در زمینه محیط زیست، جمعیت، زنان، توسعه اجتماعی، اسکان بشر و امنیت غذایی تشکیل می شوند. خوشبختانه در اعلامیه نهایی کنفرانس حقوق بشر وین در ۱۹۹۳، سند نهایی کنفرانس توسعه اجتماعی کپنهاگ ۱۹۹۵ به طور مشخص به افراد دارای معلولیت، لزوم حمایت،

اهمیت برابری فرصت و ضرورت رفع تبعیض از آنان تمهیداتی را می بینیم. در همین راستا نیز در سایر ساز و کارهای بین المللی مانند اتحادیه اروپا، علاوه بر سازمان ملل متحد، تحرکاتی را شاهد هستیم. البته واقعیت این است که ملل متحد به عنوان مهمترین سازمان بین المللی علیرغم انتقاداتی که بر آن وارد است، نماد همکاری های بین المللی در زمینه علایق مشترک بشری است و در زمینه حمایت از افراد دارای معلولیت پیشگام بوده است.

متأسفانه در همین سال های مذکور، جمعیت افراد دارای معلولیت علیرغم پیشرفت های پزشکی به دلیل افزایش مخاصمات مسلحانه و صدمه به مردم غیرنظامی رو به تزاید است. در حالیکه خدمتگزاری علم و حقوق بشر به یکدیگر رابطه تنگاتنگ قابل تفسیری با هم دارند، و در زمینه حمایت از افراد دارای معلولیت فناوری های جدید به آنان کمک شایانی کرده است. اما همیشه هم علم خدمتگزار حقوق بشر نمی باشد. علمی که منتج به تولید مین ها، پهبادهای کور و به طور کلی سلاح های کشتار جمعی است، عامل افزایش افراد دارای معلولیت شده که مصادیق آن نیز زیاد است. در جامعه خود ما یکی از اثرات ناشی از جنگ عراق علیه ایران به خصوص در غرب کشور، مین هایی است که تاکنون گاه و بیگاه به معلولیت افراد؛ کودکان و حتی به کشتار آنان می انجامد.

با عنایت به همین افزایش تعداد، نیاز به حمایت از این افراد نیز با گستره بیشتری مطرح و لزوم داشتن سندی لازم الاجرا، خاص افراد دارای معلولیت پیش از پیش احساس می شود. متأسفانه تعداد این افراد در کشورهای در حال توسعه که دچار فقر و مخاصمه هم هستند بیشتر می باشد. به تبع آن مشکلات بیشتری در این جوامع که امکانات کمتری هم دارند برای این افراد وجود دارد.

جامعه جهانی بتدریج با سرعت بیشتری فعالیت های خود را گسترش می دهد. از سال ۲۰۰۱ تحرک ویژه ای در سازمان ملل متحد به وجود می آید. اقدامات سازمان های غیردولتی و حضور افراد دارای معلولیت در این تحرک کاملاً واضح می باشد. به هردو هم نقش برجسته برای تدوین سند لازم الاجرا و هم برای اجرای آن مسئولیت داده می شود. حاصل آن نیز در سال ۲۰۰۶ به عنوان کنوانسیون افراد دارای معلولیت توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب می شود و با سرعت زیاد توسط دولت ها امضا می شود. یک پروتکل حق دادخواهی فردی نیز از طرف دولت ها تدوین می شود. تصویب این سند بسیار مهم بود. البته همانطور که می دانید تحقق عملی اسناد حقوق بشر زمان می برد، زیرا که نیازمند بستر سازی از نظر

حقوقی، فراهمی امکانات مادی برای توسعه و مناسب سازی محیط، تغییر فرهنگ عمومی، تغییرنگرش و باورهای اجتماعی و درونی کردن ارزش های آن در داخل جوامع و در دولت ها نیاز می باشد.

ارزش های چهارگانه مبتنی بر اصول حقوق بشر یعنی برابری، رعایت کرامت، استقلال و همبستگی که نقاط محوری همه حمایت های حقوق بشری است در این کنوانسیون قید شده اند. طبیعی است که وقتی ما با یک سند لازم الاجرا روبه رو هستیم، سلسله ای از تعهدات را به همراه دارد. انجام این تعهدات از طرف دولت ها بر مبنای نظام گزارش دهی طلب می شود. به طور کلی جریان حمایت از افراد دارای معلولیت با این کنوانسیون جامع به اوج خود می رسد.

در زمره حقوق مندرج در این کنوانسیون، حق ورزش برای همه افراد دارای معلولیت است. تحقق عملی و تبلور این حق را می توان در حضور همین ورزشکاران در صحنه های مختلف ملی و بین المللی شاهد بود. ماده ۳۰ کنوانسیون مربوط به این حق است که در کنار حق فراغت، تفریح، بهره مندی از حقوق فرهنگی و ورزش احصا شده است. این کنوانسیون بسیار مطول است. مقدمه بسیار مفصل و دارای ۵۰ ماده می باشد. یکی از علت های آن هم به دلیل حضور افراد دارای معلولیت در جریان تدوین آن است. آگاهی و لمس مشکلات از نزدیک به بیان و مطالبه آن برای درج آن در سند توسط افراد دارای معلولیت به جامعیت آن کمک کرده است. برای حق ورزش شرح مفصلی به خصوص در بند ۵ ماده ۳۰ کنوانسیون آمده است. برای تحقق این حق نیز باید افراد دارای معلولیت از تمامی امکانات و تسهیلات در پرتو اصل عدم تبعیض بهره مند شوند. در این میان حتی از تبعیض مثبت هم صحبت به میان آمده است. معمولا برای کاهش و یا از بین بردن تبعیض در مورد افراد آسیب پذیر، از تبعیض مثبت یاد می شود. همچنین صحبت از رفتار برابر یا رفتار مثابه برابر می شود چرا که افراد دارای معلولیت هم دارای معلولیت های مختلف با درصدهای متفاوت و نیازهای متنوع هستند. ولی اصل عدم تبعیض را به عنوان محور اصلی مورد توجه قرار می دهد و حق بهره مندی از امکانات و ورزش را به طور کلی شناسایی می کند.

یکی از زمینه های مبرهن تحقق این حق می تواند، همین شرکت در پارالمپیک ها باشد که مورد توجه کمیته این بازی ها هم از نگاه حقوق بشری در اسناد مختلف در حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت قرار گرفته است. در بیانیه سال ۲۰۰۸ این کمیته محور اصلی توانمند ساختن ورزشکاران شرکت کننده در پارالمپیک برای رسیدن به تعالی ورزشی و الهام و انگیزه بخشی جهانی است. یعنی دنیا با زمینه های فراهم

شده برای مشارکت افراد دارای معلولیت در صحنه های جهانی آشنا شود. البته باید گفت ما به مشکلات ، تفاوت امکانات کشورها، غفلت ها و عدم هماهنگی ها نیز واقف هستیم، اما تاکید بر روی نکات مثبت و الهام بخشی است.

کمیته در همین سند بر این باور است که تمام افراد دارای معلولیت باید از فرصت هایی که پیش رویشان قرار می گیرد، استفاده کنند و اصول حاکم بر فعالیت های افراد دارای معلولیت برای ورزشکاران آنها نیز در نظر گرفته شود. تاکید می شود. بیانیه ۲۰۰۸ صورت می گیرد، یادآور منشور بین المللی یونسکو در ارتباط با تربیت بدنی و ورزش است که این منشور هم در واقع تاکید بر حمایت از افراد دارای معلولیت از هرشکلی، هم جسمی حرکتی و هم ذهنی می باشد.

مطالب زیاد است و من سخن را کوتاه می کنم. در یک جمع بندی به نظر می آید که تفاوت های آشکاری در زندگی افراد دارای معلولیت با توجه به حمایت هایی که در عرصه های بین المللی از نظر حقوقی فراهم آمده و البته باید با قواعد و همراهی های ملی هم تقویت شود، نسبت به قبل وجود آمده است که قابل ملاحظه است. در عین حال زمینه های حقوق بشر هرروز در حال گسترش است و زمینه های بیشتری نیز برای تحقق آن باید ایجاد شود، برای مثال آخرین اجلاس حقوق بشر که چند روز پیش و در ۸ اکتبر ۲۰۲۱ برگزار شد، حق بهره مندی از آب سالم، محیط سالم و پایدار را به رسمیت شناخت و در سایر زمینه ها از جمله شناسایی حقوق برای افراد دارای معلولیت نیز احتمالاً در آینده تحرک بیشتری به وجود خواهد آمد. تحولاتی که امروزه صورت گرفته نیز بخشی در اثر قوانین، توسعه اقتصادی اجتماعی، نظریات جدید به خصوص در حوزه پزشکی و ارتباط تنگاتنگ بین فناوری، حقوق بشر و ورزش است که برای افراد دارای معلولیت یک بحث بسیار مفصلی در عرصه جهانی می باشد.

باید عرض کنم که این الهام بخشی که قهرمانان برای ما داشتند، حتی کسانی که مدال نیاورند، همان حضورشان، همت بلند و توانمندی شان بسیار قابل تقدیر و پر اهمیت است. افراد دارای معلولیت علیرغم اینکه راه ناهمواری را پیموده اند، اما قدرتمند هستند.

امیدوارم که بشر با اتکال به خداوند و علم به این بیماری بدسگال حال، کووید ۱۹ نیز چیره شود و جلسات حضوری با شرکت دوستان و همراهان مباحث حقوق بشر برگزار گردد. همچنین نام و یاد همه درگذشتگان این بیماری، چه نامداران و چه گمنامان را گرامی می دارم، مجدد از شرکت کنندگان محترم

سپاسگزاری می کنم و از تمام کسانی با عمل خود برای جامعه الهام بخش و موجب امید هستند، تشکر می کنم. آرزو دارم دوباره بتوانیم همدیگر را در جلسات حضوری ببینیم و این نیاز بشری، ارتباط اجتماعی و تمرین عاطفه را برآورده سازیم.

یارب امان ده که بازیند

چشم محبان روی حبیان

**خانم فیروزی راد:** از سخنان ارزنده، جامع و کامل خانم دکتر مصفا بسیار ممنون و سپاسگزارم.

اما در این بخش در خدمت مهمانان افتخار آفرین ملی هستیم و باعث سرافرازی ما است که این افراد علیرغم اینکه دارای معلولیت هستند اما هیچ چیز مانع از پیشبرد اهدافشان نشده است. اینجا هستند تا از موفقیت هایشان صحبت کنند.

از خانم هاشمیه متقیان، قهرمان پارالمپیک ۲۰۲۰ توکیو و دارنده مدال طلای رشته پرتاب نیزه در این بخش دعوت می کنم که سخنان خودشان را آغاز کنند.

**هاشمیه متقیان:** عرض سلام و ادب دارم خدمت شرکت کنندگان محترم. هاشمیه متقیان هستم عضو تیم دو و میدانی در ماده پرتاب نیزه. همانطور که بیان شد معلولیت محدودیت نیست و ما ورزشکارانی که در قسمت معلولین و جانبازان فعال هستیم بر این باور هستیم که معلولیت مانع از پیشرفت ما نیست و ما می توانیم به آنچه که می خواهیم دست پیدا کنیم.

من تا قبل از سال ۱۳۸۸ یعنی زمانی که به سمت ورزش رفتم تصور می کردم نهایتاً بتوانم درس بخوانم و در اداره ای مشغول به کار شوم و به اصطلاح پشت میز بنشینم. اما وقتی که به طور اتفاقی در اتوبوس با دو نفر از اعضای تیم والیبال نشسته آشنا شدم و آنها مرا به سمت ورزش ترغیب کردند همه چیز برایم تغییر کرد. زمانی که اولین بار و با انگیزه فراوان به جلسه تمرین آنها رفتم و دیدم که معلولین و جانبازان چگونه تمرین و ورزش می کنند بسیار ذوق زده شدم و باور نمی کردم، چرا که من در دوران مدرسه همیشه دو عصای آهنی داشتم و هیچوقت نمی توانستم با سایر همکلاسی هایم ورزش کنم. همیشه از پشت پنجره کلاس آنها را می دیدم که در حال والیبال بازی کردن هستند و این برایم به یک حسرت درونی تبدیل شده بود. در مدرسه همیشه به من بازی شطرنج را پیشنهاد می دادند ولی من بازی های حرکتی را دوست داشتم.

با انگیزه ای که داشتم و کمک مربی استان تمریناتم در رشته والیبال نشسته را آغاز کردم و طوری برنامه ریزی کردم که به درسم که آن موقع در مقطع پیش دانشگاهی بودم لطمه ای وارد نشود. حدودا دوسال تمرین کردم اما به خاطر فیزیک بدنی که داشتم دوبار از تیم والیبال خط خوردم. بعد از این ماجرا کمی دچار بی انگیزگی شدم تا اینکه دومرتبه به کمک مربی استان به سوی ورزش و در واقع تیم دو و میدانی بخش انفرادی سوق داده شدم و در ماده پرتاب دیسک شروع به تمرین کردم. ولی به من گفتند که این رشته مانند والیبال نشسته نیست و باید تمام هفته را برای تمرین و بدنسازی وقت گذاشته شود و من موافقت کردم و پس از ۸ الی ۹ سال تمرین توانستم اولین مدال قهرمانی کشور را به دست آورم. اینجا بود که تازه متوجه شدم که هدف دارم و باید در مسابقات آسیایی، جهانی و پارالمپیک هم موفق شوم و بدرخشم.

با وجود اینکه من دوسال را بخاطر رفتن به رشته والیبال نشسته از دست دادم و همیشه میگفتم ای کاش این دوسال را در رشته دو و میدانی بودم اما درنهایت خدا را شاکر هستم که به سمت ورزش آمدم و توانستم با قهرمانان زیادی آشنا بشوم و الگوی من باشند تا من هم بتوانم به هدفم برسم. من همیشه اهدافم را در یک دفترچه به همراه رکورد هایم یادداشت می کردم و همیشه برای تمریناتم و درسهایم برنامه داشتم. هدفم کسب سهمیه های مسابقات آسیایی، جهانی و پارالمپیک بود. من یکبار در المپیک ریو شکست خوردم اما ناامید نشدم و گفتم حتما رقیب من تمرینات بیشتری داشته است و به همین دلیل تمرینات و تلاشم را دو برابر کردم. با آمدن ویروس کرونا و ایجاد برخی محدودیت ها گاهی تمرینات را در منزل انجام می دادم و دست از تلاش برنداشتم.

پیام من به تمام افرادی که دارای معلولیت هستند این است که هیچ مانعی برای پیشرفت آنان وجود ندارد به شرطی که به این باور برسند که می توانند و خواستن توانستن است. من و تمام دوستان من و قهرمانان مانند خانم زهرا نعمتی، ساره جوانمردی و ... خودمان خواستیم تلاش کردیم و توانستیم. قطعاً همه کسانی که به طرق مختلف معلول هستند چه به صورت مادرزادی و چه بر اثر سانحه باید برای خود هدف ترسیم کنند و با برنامه پیش بروند و نا امید نباشند.

بسیار از توجه تان و این برنامه بسیار خوب سپاسگزارم.

**خانم فیروزی راد:** از خانم متقیان و صحبت های شیوای ایشان بسیار ممنون و سپاسگزارم، حتما شما لایق بهترین ها هستید و برای من الگو می باشید.

متاسفانه ارتباط ما با سه قهرمان دیگر به دلیل یکسری مشکلات فنی قطع شده است، به همین دلیل الان به بخش پرسش و پاسخ و سوالاتی که مطرح شده است می پردازیم.

از خانم متقیان سوال شده است که از سختی ها و مشکلاتی که در طی مسیرشان داشته اند صحبت کنند؟

**خانم متقیان:** سلام مجدد، قطعا در این مسیر من و سایر ورزشکاران قهرمانی فراز و نشیب های بسیاری داشته ایم و سختی کشیده ایم. برای من زمانی که وارد این حیطه شدم مشکلات زیادی بود از جمله اینکه از منزل ما که در روستای ملاحیه بود تا استادیوم تختی باید سه نوبت سوار ماشین می شدم تا برسم. این کار برای من که با دو عصای آهنی بودم بسیار مشکل بود به خصوص آن قسمتش که باید از اتوبان رد می شدم تا استادیوم برسم. همچنین همراهی تمرینات ورزشی با زمان کنکور من یکی شده بود و من دوسال نتوانستم کنکور قبول شوم و بعد از آن هم همزمانی ورزش و درس خودش سختی دیگری بود. از طرفی نبود تجهیزات ورزشی دل من را به درد می آورد، وسایلی که ما استفاده می کردیم بعضا مربوط به حدود ۲۰ سال پیش بود. طوری که آن وسایل پوسیده و زنگ زده بودند و کارایی لازم را برای ما نداشتند.

به هر حال همانطور که گفتم قطعا در این مسیر برای همه مشکلاتی بوده است اما مهم این است که آدم نا امید نشود و من هرگز ناامید نشدم تا به هدفم برسم. بعد از پنج سال تمرین و کسب سهمیه مسابقات آسیایی اینچئون در سال ۲۰۱۴ و کسب دو مدال نقره بود که تا حدودی مشکلات مالی من حل شدند و توانستم برای ترددم ماشین بخرم و مشکلاتم کمتر شد. اکثر دوستان من هم همین مشکل را داشتند، چرا که امکانات شهری مناسب نبود، ماشین اختصاصی نبود و خانواده ها هم تا حدودی می توانستند همراه باشند و مشکلات دیگر هم داشتند نمی توانستند تمام مدت با فرد معلول باشند.

یک نکته دیگر اینکه من همه ورزشکاران این حیطه را حتی کسانی که تازه وارد و مبتدی هستند را قهرمان می دانم، چون از نظر من کسی که در بدنش دچار نقص یا ضعفی است زمانی که از خانه نشینی دل می کند و وارد فضای باز و جامعه می شود و تمرین می کند یعنی اینکه پذیرفته است که من می توانم. من از اینجا از مسئولین استانی خواهش می کنم که حمایت کنند، امکانات فراهم کنند تا دیگر عزیزان مشکلات ما را نداشته باشند.

اگر بخواهیم مدام از مشکلات هم بگوییم خوب نیست و ایجاد رنجش می کند، کم و بیش همه از مشکلات آگاه هستند. اما مهم ترسیم هدف و باور داشتن خود است. در طول تمرین ها که اذیت میشدم به این فکر می کردم که رقبای من سخت در حال تمرین هستند و با این انگیزه ادامه می دادم، به حرفهای منفی اطرافیان توجه نمی کردم، با مشکلات خانوادگی می جنگیدم و فقط نگاهم به جلو بود.

**خانم فیروزی راد:** مجدداً از شما خانم متقیان سپاسگزارم و قطعاً شما مثال بارز خواستن توانستن است هستید و ما به شما تبریک می گوئیم.

از دکتر مصفا خواهش می کنم که صحبت های پایانی خود را بیان بفرمایند.

**خانم دکتر مصفا:** عرض سلام مجدد، من با گوش جان صحبت های خانم متقیان عزیز را شنیدم و بسیار بابت اعتقاد به کارشان که با وجود محدودیت امکانات و مشکلات شخصی به این جایگاه ورزشی، حضور در میدین و الهام بخشی رسیده اند خوشحال و آن را تحسین می کنم. چون واقعیت است که زنانی که دارای معلولیت هستند از تبعیض مضاعفی رنج می برند. کسانی که دست اندرکار حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت هستند کاملاً به این موضوع واقفند و در اسناد هم مستتر است. در واقع همواره سلسله مشکلاتی برای زنان در جوامع وجود دارد و زمانی که معلولیت هم به آن اضافه شود این مشکلات و محدودیت ها مضاعف و بیشتر می شوند. حال با وجود این محدودیت ها کسانی که خودشان را با تلاش اثبات می کنند و در عرصه بین المللی مطرح و برای دیگران الگو می شوند، مورد تقدیر برای کار دشوارشان هستند. من به خانم متقیان از این بابت مجدد تبریک می گویم. تبریک فقط از باب مدال آوری نیست. تبریک برای آنکه نمادی از توانمندی زنانی هستند که علیرغم مشکلات چنین استوارند.

بیان شده که تعاریف جدید معلولیت را محدودیت نمی دانند، بلکه عدم وجود امکانات و شرایط مناسب که مانع از شکوفایی توانایی این افراد می شوند را مورد تاکید قرار می دهند. اما ایشان علیرغم وجود مشکلات و محدودیت ها توانسته اند مسلط و با اعتماد به نفس به موفقیت برسند و توانستند به عنوان الگوی یک زن به خصوص در جامعه ما مطرح باشند.

اگر تجارب سایر دوستان را هم می شنیدیم، آموخته هایمان بیشتر بود. اما به طورکل مسئله مهم اعتقاد انسان است. این اعتقاد که بشر توانا است و می تواند بر مشکلات و مسائل فائق آید. اگر ساختارهای

اجتماعی، قانونی، اقتصادی، فرهنگی مناسب باشند بهتر می توان در این مسیر گام برداشت. اگر هم با مشکلات روبه رویم، اعتقاد، ایمان و توانمندی است که می تواند مشکلات را تحلیل دهد و زمینه های رشد را فراهم کند.

این برنامه در رابطه با عزیزانی بود که در پارالمپیک حضور پیدا کردند اما امروزه ما می بینیم که در همین جامعه خودمان افراد دارای معلولیت زیادی دارای موقعیت های دانشگاهی و علمی هستند، تحصیلات بالا دارند، دقیق کار می کنند و علیرغم سختی هایی که دارند، توانسته اند حضور موثری یابند. امید ما به روزی است که ما به معلولیت بیشتر به عنوان توانمندی نگاه کنیم. همانطور که قبل از این هم عرض کردم این امر مستلزم فرهنگ سازی است و این آگاهی و فرهنگ سازی هم مقدار زیادی به دورنی سازی ارزش ها بستگی دارد. صحبت کردن در مورد اسناد، موازین، تجربه ها، پژوهش ها و مطالعات بدون اینکه ارزش های آنها برای انسان درونی شده باشند، امکان پذیر نیست. اعتقادی که از درون برخیزد و بستگی به شکل ظاهری نداشته باشد مهم است. فقط صرف پندار و رفتار با طرف مقابل به عنوان یک انسان مهم است.

واقعیت این است که کار برای افراد دارای معلولیت یک کار انسانی است و احساس خوبی به خویش می دهد. البته یادآوری می نمایم، افرادی در جامعه که در این زمینه خدمت می کنند هستند که شهیرند، تریبون دارند، به رسانه ها دسترسی دارند و دیده می شوند. در سطوح دانشگاهی و سازمان های غیردولتی در شهرهای بزرگ زندگی و شناخته شده می باشند. اما در نقاطی از کشور ما در آسایشگاه های فراوانی صدها، نفر افراد دارای معلولیت هستند که تعداد کثیری پرستار و مددکار و رشته های مختلف به آنان خدمت سخاوتمندانه می کنند، اما نام و نشانی هم از آنها نیست. من با برخی از این افراد توفیق آشنایی از نزدیک داشتم و می دانم که عاشقانه کار می کنند، آنها خاموش با حداقل شرایط و امکانات و بدون گله در حال کار انسانی و ایثار هستند. اگر اینگونه افراد نبودند ما شاهد وضعیت نامطلوبی برای بسیاری از افراد دارای معلولیت بودیم. باید آنان را یاد داشته باشیم و سپاسگزار و قدردان وجود شریفشان باشیم. همچنین به امید اینکه شامل سازی، یعنی حضور در جامعه در عرصه وسیع به زودی برای همه افراد دارای معلولیت فراهم شود و بتوانند در مدارس، نهادهای آموزشی و محیط های اجتماعی بدون محدودیت و مشکل حضور و پذیرش داشته باشند.

بیش از این تصدیع نمی دهم و برای همگان آرزوی توفیق و سلامتی دارم . همچنین امیدوار هستم در جلسه دیگری بتوانیم صحبت های دقیق تر و بیشتری داشته باشیم.

سخنان خود را با فاتحه ای به یاد “ سارا “ به پایان می برم.

**خانم فیروزی راد:** بسیار از صحبت های گرانبهای خانم دکتر مصفا سپاسگزارم.

همچنین ضمن پوزش بابت عدم حضور سایر قهرمانان، از موسسه اجتماعی سارا و کمیسیون حقوق بشر اسلامی بابت برگزاری این نشست سپاسگزاری می کنم.



موسسه اجتماعی سارا  
Sara Social Institute